

خاک ایران کعبه آمال ایرانیان است

ایرانیان باستان از نظر اینکه توجه خود را معطوف سرزمین خود نموده و به سرزمینهای بیگانه سر تعظیم فرود نیاوردند و مناعت طبع خودشان و فروشکوه ایران را بنمایانند بدینجهت در مقابل نور و روشنایی بستایش اهورامزدا و خدای یگانه مشغول میشدند.

توجه به نور و آتش چراغ و آفتاب در موقع نمازگزاردن بسیار معقول و منطقی است، زیرا فروغ و روشنایی ظاهری نموداری از نور و روشنایی عالم حقیقت و معنویت می باشد. و در طراوت روح و دل اثر عظیم دارد. و انسان را به تجلیات انورا الهی متوجه می سازد. عرفاً در موقع ذکر و تفکر بقلب خود توجه می کنند و آنرا به صورت نورانیت در جلو چشم خود مجسم می سازد و نام خدا را در عالم تصور روی آن نقش می دهند و با کمال خلوص به طور آهسته ذکر می کنند یا می خوانند. این ترتیب ذکر گفتن و بنورانیت قلب متوجه شدن از مراحل مخصوص عبادت عرفای طریقت است که آن را حضور قلب می گویند و بان اهمیت زیاد می دهند. و اکنون که دانستیم که قبله گاه زرتشتیان به طرف نور و روشنایی است بهتر است که شواهدی هم از قرآن کریم بیاوریم که خداوند خود را نور معرفی کرده و گاهی هم محمد (ص) و قرآن را نور خوانده است. سوره زمر آیه ۲۲ آمده:

آیا آن کس را که خدا برای اسلام صدر عطا فرمود که وی به نور الهی روشن است.

باز در سوره زمر آیه ۶۹ : و زمین محشر به نور پروردگار روشن گردد.

سوره صف آیه ۸ : کافران بخواهند که نور خدا را به گفتار باطل خاموش کنند البته خدا نور خود را تمام و کامل نگاه خواهد داشت.

سوره توبه آیه ۳۲ : کافران می خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه خویش خاموش کنند.

سوره نور آیه ۳۵ : الله نور السموات و الارض _ خدا نور آسمانها و زمین است الی آخر.

سوره رعد آیه ۱۶ : آیا نور و ظلمت مساوی است؟

سوره ابراهیم آیه های ۱ و ۵ : کتابی را بتو فرستادیم مردم را از ظلمت بنور رهنمون شوی. آیه اول محمد و آیه پنجم موسی.

باز سوره نور آیه ۳۵ : بدون آنکه آتشی برافروزد خود بخود جهانی را روشنی بخشد که پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت قرار گرفته و خدا هر که را بخواهد بنور خود هدایت می کند.

سوره اعراف آیه ۱۵۷ : همانا برای هدایت شما نوری عظیم به حقانیت آشکار آمد.

باز در سوره مانده آیه ۱۶ ، سوره نور آیه ۴۰ و سوره احزاب آیه ۴۳ و سوره فاطر آیه ۲۰ و سوره حدید آیه ۹ خداوند خود را نور و محمد(ص) و قرآن را نور خود معرفی می کند .

پس دانسته شد که وقتیکه زرتشتیان بطرف نور و روشنایی عبادت می کنند و نماز می خوانند بدون دلیل نبوده و هفت هزار و اندی سال پیش از قرآن حضرت رسول الله آنها نور را درک کرده اند که حقیقت نور در فکر بکر اشور زرتشت ریشه دوانیده بود.

جوهر آتش زرتشت پاکي و بی آلايشی است و چون آتش بزرگترین پاک کننده و در عین حال پاک ترین و نورانی ترین عنصر است از اینرو سمبل این کیش گشته است.

بر خلاف آنچه بعضی ها تصور می کنند و از روی نابخردی قضاوت می نمایند زرتشتیان آتش پرست نیستند بلکه اهورامزدا پرست بوده و آتش و نور را رمز و سمبل اهورا مزدا میدانند. فردوسی علیه الرحمه در این باره می گوید:

نگویی که آتش پرستان بدند پرستنده پاک یزدان بدند

زرتشت با انتخاب آتش به عنوان سمبل کیش خود بهترین انتخاب ها را کرد .

از پیروان خود خواسته ۱_ مثل آتش پاک و درخشان باشند ۲_ مانند شعله های آتش همیشه به سوی ترقی و تعالی گام بردارند . ۳_ مجذوب خواهش های پست نفسانی نشوند همانطوری که آتش همیشه سر به بالا و فرازنده است. ۴_ همانطوری که آتش همه چیز را پاک می کند و خود آلوده نمی شود آنها هم با بدیها بستیزند بی آنکه خود را آلوده با بدی کنند. ۵_ همانطوری که آتش یا هر چیز تماس گرفت آنرا مثل خود درخشان می کند آدمی باید در برخورد با دیگران آنها را با محبت و صفا و صمیمیت نماید و آنها را از عیوب پاک گرداند.

ایرانیان نور را گرمی داشته و با وجود اینکه اکثراً اسلام آوردند ولی باز هم خدا را نور می دانند و به نور اهمیت فراوانی قائلند. منجمله یک مسلمان هنگام برخورد با نور چراغ و روشنایی دیگر از صمیم قلب بهترین کلمه خود را که ذکر صوات است ادا میکند. روز چهارشنبه سوری اگر با نظر تحقیق به چهره هر فرد ایرانی بنگریم متوجه می شویم که در شور و شعف غوطه ور است و این شور و شعف خود آگاه و ناخود آگاه بر هر ایرانی مستولی است و از دل و جان پذیرای روشن نمودن آتشش در شب چهارشنبه سوری و پریدن از روی آن است. و اجاقهای خود را در شب عرفه و شب عید نوروز حتماً روشن نموده و انرا به فال نیک می گیرند.

در کتاب مقدس زبور داود در مزمور هجدهم آیه های ۶ و ۷ آمده است که داود می گوید : در تنگی خود خداوند را خواندم و بخدای خویش استغاثه نمودم او آواز مرا از هیکل خود شنید و استغاثه من بگوش وی رسید. زمین متزلزل و مرتعش شده اساس کوهها بلرزید، آتشی بسیار برفروخته کردید و خداوند آسمان را خم کرده نزول فرموده بصورت نور منجلی گردید.

در انجیل یوحنا باب اول در باره نور و آتش چنین آمده : همه چیز به واسطه او آفریده شد و بغیر ار او موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود و نور در تاریکی میدرخشید و تاریکی آنرا در نیافت. در او حیات نور انسان بود و نور در تاریکی میدرخشید و تاریکی آنرا در نیافت. یحیی برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد و آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در باب سوم آمده : حکم خداوند این است که روشنایی و نور در جهان آمده و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند از آنجا که اعمال ایشان بد است. زیرا هر که عمل بد می کند روشنی را دشمن دارد. پیش روشنی نمی آید مبادا اعمال او توبیخ شود ولیکن کسی که به راستی عمل میکند پیش روشنی می آید تا آنکه اعمال او هویدا گردد.

آتش در نزد همه جهانیان ستوده است و همه ی دینهای بزرگ و کوچک گرامی داشته شده است. دقیقی گوید :

یکی پاک پیدا شد اندر جهان	بدست اندرش مجمر عودیان
خجسته پی و نام او زرتهشت	که اهریمن بد کنش را بکشت
بشاه جهان گفت پیغمبرم	ترا سوی یزدان همی رهبرم
یکی مجمر آتش بیاورد باز	بگفت از بهشت آوریدم فراز
جهان آفرین گفت بپذیر این	نگه کن بدین آسمان و زمین

فخر الدین اسعد گرگانی چنین گوید :

ز آتشی گاه لختی آتش رود	بمیدان آتشی چون کوه برکرد
بسی از صندل و عودش خورش داد	بکافور و بمشکش پرورش داد
ز میدان آتشی چون که برآمد	که با گردون سروی همبر آمد
چو زرین گنبدی بر چرخ یا زان	شده لـرزان وزرش پاک ریزان

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>